

بررسی نامه‌های فارسی رشید و طواط (لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی)

ذوالفقار علامی* / رقیه موسوی**

چکیده

رشید و طواط، از جمله شاعران و نویسندگان نامدار سده ششم به شمار می‌آید و نامه‌های فارسی او، که از درخشان‌ترین نمونه‌های نثر منشیانه در میان متون منثور این دوره، محسوب می‌شود، چنان برجسته است که در شناخت سبک فردی نویسنده و سبک منشیانه این دوره، از اعتبار و اهمیتی ویژه برخوردار است. وی در این اثر، با استفاده از لغات غریب، تشبیهات و استعارات زیبا و هماهنگی شکل و محتوا و رعایت نظم جملات، ساختاری کامل و بی‌نقص ارائه کرده است؛ از این رو، بررسی سبکی نامه‌های او در شناخت ابعاد فکری، شخصیتی و هنری او بایسته می‌نماید. از سوی دیگر، بررسی سبک‌های مختلف نویسندگان و شاعران در قالب تحلیل موشکافانه لایه‌ای، شیوه نوینی است که بحث در مباحث سبکی را سهل و در عین حال دقیق و از اعتبار علمی بیشتری برخوردار کرده است. بنابراین، هدف مقاله حاضر، تحلیل و بررسی لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی نامه‌های فارسی او با شیوه توصیفی - تحلیلی است تا از رهگذر تقسیم لایه‌های کلان به لایه‌های خرد و تجزیه و تحلیل آن، نشان دهد که کاربرد موسیقی درونی متن با استفاده از واژه‌های انتزاعی و نشان‌دار و برجسته‌سازی کلام، استفاده خلاقانه از عناصر زبانی (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه)، اخلاق محوری، تصویرسازی و مفهوم‌گرایی در نامه‌های فارسی او به‌عنوان مشخصه اصلی سبک نویسنده به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: نامه‌های رشید و طواط، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی، لایه بلاغی، لایه نحوی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

نظام زبانی، دارای جنبه‌های ذهنی و آگاهانه است و از مجموع واج‌ها، کلمات و آواهایی تشکیل شده که سبک هر نویسنده را در آفرینش آن نظام زبانی ویژه نشان می‌دهد. این سبک، حاصل نگرش، اعتقادات، محیط اقلیمی، طبقات اجتماعی و تحصیلات یک نویسنده است. در واقع، شیوه گزینش کلمات و جملات، امری غیرارادی و تابع روحیات شخصی و اعتقادات نویسنده محسوب می‌شود. سبک‌شناسی لایه‌ای، عبارت است از دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا در یک متن یا گروهی از متن‌ها. بنیاد کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در لایه زبان (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردی) استوار است. این بررسی از طریق تحلیل صورت‌های زبانی، مانند تکیه‌ها، آواها، واژه‌ها، ساخت‌های دستوری، لحن، صدای نحوی، معانی ضمنی، بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت‌های مجازی و استعاری زبان شکل می‌گیرد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۹۲). «شارل بالی^۱، پدر سبک‌شناسی جدید، سبک را عبارت متحد المضمونی که از نظر شدت عواطف و احساسات با هم متفاوت‌اند، می‌داند» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۶). سبک‌شناسی لایه‌ای در شاخه سبک‌شناسی عملی قرار می‌گیرد؛ زیرا به صورت عملی، به بررسی گفتار و نوشتار نویسنده در گفتمان‌های مختلف ادبی می‌پردازد و ویژگی‌های یک زبان کاربردی را از نظر ساختار و مفهوم، بررسی می‌کند. سبک‌شناسی لایه‌ای عبارت است از بررسی لایه آوایی، نحوی، واژگانی و بلاغی که در هر لایه، متغیرهای برجسته‌ساز و شکل و نقش آن‌ها معرفی می‌شود و سپس تأثیر هر کدام از لایه‌ها در زیبایی‌شناسی و ایدئولوژی متن تبیین می‌گردد (همان: ۲۴۱). سبک‌شناسی، دارای قلمرو وسیعی است که با مباحثی چون نقد ادبی، دستور زبان، آرایه‌های ادبی و شگردهای هنری، حوزه مضامین، افکار و اندیشه‌های گوناگون مشترکاتی دارد (صرفی و ونارجی، ۱۳۹۲: ۴). «با نگرشی دقیق بر آثار ادبی درمی‌یابیم که در پس پرده تمام دگرگونی‌های صرفی و

1. Charles Bally

نحوی، نگاشته‌های فردی و اجتماعی عصری نهفته است که موجب تغییر سبک سخن شده است. کار سبک‌شناس ادبی، یافتن این اندیشه‌ها در سخن شاعران و نویسندگان هر دوره است» (عبادیان، ۱۳۶۸: ۱۰).

سبک، شامل دو موضوع است: فکر یا معنی و صورت یا شکل. از توجه به جهان بیرون، فکری در ما تولید می‌شود و آن نمونه‌ای است از تأثیر محیط در فرد و ما آن فکر را با سوابق ذهنی خود منطبق و موافق می‌سازیم و با همان جنبه فکر خویش برای شنوندگان تعبیر می‌کنیم؛ این نمونه‌ای است از تأثیر فرد در محیط (بهار، ۱۳۸۰: ۱۵). از دلایل پیدایش سبک در اثر یک نویسنده، عوامل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. برخی از عوامل، روان‌شناسی روحیات فردی و هوش زبانی نویسنده است. روحیات فردی، اموری مثل اخلاق و روحیات حساس نویسنده را شامل می‌شود. این ویژگی‌های روانی و اخلاقی و نیز نوع جهان‌نگری و عقاید شخص، به‌روشنی در لحن کلام، نوع گزینش واژگان و ساخت‌های نحوی، به‌ویژه کاربردهای بلاغت فرد بازتاب دارد و عامل هوش زبانی، شامل استعداد زبانی متناسب با موقعیت زبانی است که باعث می‌شود سبکی منحصر به فرد خلق گردد. عامل جامعه‌شناسی نیز از عوامل مهم شکل‌دهنده سبک برونی و اجتماعی است. عنصر زمان، موقعیت اجتماعی مؤلف، بافت سخن، دگرگونی‌های تاریخی و اجتماعی نیز در سبک نویسنده تأثیر می‌گذارد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

نامه‌های فارسی رشید، به‌عنوان مدرکی از فنون دبیری و انشای رسایل دیوانی، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا در آن دوره، نگارش منشآت به‌عنوان رشته‌ای مخصوص در فنون ادبی محسوب می‌شد و رشید به‌عنوان رئیس دیوان، در نامه‌های فارسی خود، اصول و قواعد نامه‌نگاری روزگار خود را رعایت کرده، آن را به گونه‌ای ادبی و آمیخته با صنایع ادبی به سبک همان دوره به نگارش درآورده است. از این رو، در این مقاله سعی شده است از طریق سبک‌شناسی لایه‌ای، نوع نگارش، سبک نوشتار،

دیدگاه و میزان دانش نویسنده در به کار بردن صنایع ادبی و بلاغی در این اثر، بررسی و تحلیل شود.

۱-۱. بیان مسئله

نامه‌های فارسی رشید و طواط، دارای نثری موزون و مسجع و با تأکید بر هماهنگی موسیقایی کلام است که در آن، از به کار بردن واژه‌های مسجع در نثر خود ابایی ندارد و این کار را به زیبایی تمام انجام داده است. در این مقاله، نامه‌های فارسی رشید و طواط در پنج لایه (آوایی، واژگانی، بلاغی، نحوی و ایدئولوژیک) از نظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است تا میزان نقش‌پذیری نویسنده از اجتماع، شرایط سیاسی و فرهنگی و همچنین سبک دوره‌ای آن زمان در اثر او، تحلیل و مشخص شود. از این رو، هدف مقاله حاضر در بررسی نامه‌های فارسی رشید و طواط، رسیدن به پاسخ این دو پرسش است: ۱. چگونه می‌توان به کشف رابطه کلام و ایدئولوژی و طبقه‌بندی خصوصیات سبکی، از طریق شناسایی لایه‌های زیرین متن دست یافت؟ ۲. برقراری رابطه با بافت بیرونی کلام، با چه ابزاری امکان‌پذیر است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تنها مقاله‌ای که درباره معرفی و بررسی ویژگی‌های سبکی نامه‌های و طواط نوشته شده، «سبک‌شناسی نامه‌های تازی رشیدالدین و طواط» از محمود حیدری و علی رضائیان (۱۳۹۲) است که در آن، نامه‌های عربی نویسنده، در سه سطح زبانی، بیانی و فکری تحلیل شده، به چشمگیر بودن میزان بلاغت و فصاحت نویسنده، حتی در نامه‌های سیاسی و تأثیرپذیری او از نظام سیاسی آن دوره، پرداخته شده است؛ اما نامه‌های فارسی او تاکنون مورد بررسی سبک‌شناختی قرار نگرفته است. از مقالات دیگری که در زمینه سبک‌شناسی لایه‌ای انتشار یافته، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «توصیف و تبیین بافتمند نامه شماره یک غزالی (لایه بلاغی و واژگانی)» از مریم درپر (۱۳۹۳) که پژوهشی کاربردی است در رابطه با پیوند کلام ظاهری و اندیشه درونی و ارتباط ویژگی‌های سبکی با بافت موقعیتی متن و معرفی چند روش کاربردی که

پژوهشگران بعدی مکرراً به آن مراجعه کرده‌اند. مقاله دیگری با نام «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده در دو لایه آوایی و واژگانی» از محمدرضا صرفی و مژگان ونارجی (۱۳۹۴) که در آن، به تحلیل زبانی - محتوایی و ویژگی‌های بارز سبکی اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده پرداخته شده است. در مقاله‌ای دیگر از مریم درپر (۱۳۹۲)، با نام «نقد و بررسی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک، جایگزینی برای لایه‌های معنی‌شناسی و کاربردشناسی در کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تألیف محمود فتوحی رودمعجنی»، به بررسی دلایل فتوحی برای جایگزین کردن لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک به جای معناشناسی و کاربردشناسی پرداخته، متن را با بافت موقعیتی مطرح نموده و با انتقاد از فتوحی، بیان کرده است که لایه بلاغی نمی‌تواند جایگزین لایه معناشناسی شود؛ زیرا معنی‌شناسی، مطالعه متن بیرون از بافت است و حذف کاربردشناسی در سبک‌شناسی از نظر ساختاری درست نیست؛ زیرا تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های کاربردشناسی در بررسی ویژگی‌های سبکی، بخش وسیعی از متون ادبی را دربر می‌گیرد و بررسی لایه‌های متن از نظر کاربردشناسی، ما را به نتیجه‌ای قابل قبول می‌رساند. در زمینه سبک‌شناسی لایه‌ای، مقاله‌ای دیگر با نام «سبک‌شناسی لایه‌ای خطبه ۲۷ نهج البلاغه» از حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی (۱۳۹۳) منتشر گردیده که در آن، به توضیح و تبیین پنج لایه آوایی، نحوی، واژگانی، بلاغی و ایدئولوژیک خطبه ۲۷ نهج البلاغه پرداخته شده است.

۲. بحث و بررسی

امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب، ملقب به رشید و طواط، از جمله شاعران و نویسندگان سده ششم هجری و از معدود شاعرانی است که هم‌زمان، ریاست دیوان رسایل خوارزم را نیز به عهده داشت. او علاوه بر اینکه شاعری توانا در روزگار خود محسوب می‌شد، در زمینه علوم بلاغت در زبان عربی و فارسی نیز شهره بود. *حدائق السحرفی دقاتق الشعر* که کتابی نفیس در

باب صنایع بدیعی است، در فصاحت و بلاغت تمام نگاشته شده است. وقتی سخن از فصاحت و بلاغت به میان می‌آید، باید اذعان داشت که نامه‌های فارسی او، از بهترین نمونه‌های نثر منشیانه شمرده می‌شود و تمام مشخصات یک متن فصیح را داشته، با اوصافی که برای متن فصیح برشمرده‌اند، کاملاً سازگاری دارد. ویژگی‌هایی چون «جزیل بودن، یعنی استحکام و استواری، سلیس، یعنی روایت یکدست و راحت، عذب یعنی کلام شیرین» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۴۸) در نامه‌های فارسی رشید کاملاً محسوس است. رشید در مقام ریاست دیوان، سفرهای زیادی در خدمت اتسز خوارزمشاه داشته است و به علت تبخّر در نگارش نامه، در نامه‌های فارسی او کمال استحکام و فصاحت کلام دیده می‌شود. از جمله آثار مهمی که از رشید به جا مانده، *ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار*، *عرائس الخواطر و نفائس النوادر*، *دیوان اشعار عربی* که در آن، میزان تسلطش بر زبان عربی انعکاس یافته و *دیوان فارسی* او که در آثار دیگر شاعران نیز تأثیر بسزایی داشته و به زیبایی و در فصاحت و بلاغت تمام سروده شده است. رشید دو مجموعه منشآت دارد؛ یکی به زبان تازی و دیگری نامه‌های فارسی اوست. دامنه این تحقیق، شامل تحلیل و بررسی نامه‌های فارسی رشید و طوط در لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی است. در لایه آوایی، ابتدا به بررسی بسامد هجاها و تغییرات زبانی در شکل بیان واژه‌ها پرداخته می‌شود. در لایه آوایی، میزان بسامد واژگان مسجّع و سطح موسیقایی کلام بررسی می‌گردد. در لایه واژگانی، نخست بر اساس دیدگاه ساختاری رمزگان‌سازی و تکیه بر بافت اجتماعی و مؤلفه‌های سبکی، ارتباط دوجانبه زبان شخصی و زبان گروهی، سپس تحلیل نشان‌مدارانه و دلالت‌های زبانی مطرح شده است. در لایه نحوی، به پیوندهای نحوی و اندیشه شاعر و چیدمان جملات در چهارچوب مؤلفه‌های سبکی آن دوره و ساختار دستوری جملات و پیوستار کانونی نقش فاعل پرداخته شده است. در لایه بلاغی، روش‌های نوشتاری صنایع مجاز و استعارات و کنایات و سبک گروهی و بینافردی آن دوره و در قسمت محتوای فکری، مجموعه مؤلفه‌های فوق بررسی شده است.

۳-۱. بررسی لایه‌ها

۳-۱-۱. لایهٔ آوایی

به بررسی محدوده‌های آوایی زبان که صدا و آهنگ در یک موقعیت زبانی و نقش و کارکرد بیانی آواها و اصوات زبان را بررسی می‌کند، سبک‌شناسی آوایی می‌گویند (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۴۳). در واقع، تحلیل آوایی کلمات در متن، الگوهای کششی و ساده، صدا دار و بی‌صدا و موسیقایی کلام را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در سبک‌شناسی لایه‌ای، متغیرهای جغرافیایی، فیزیولوژی، سبکی و تاریخی، نقش بسزایی دارند.

برجسته‌سازی موسیقایی

سجع: سجع یکی از ابزارهایی است که سبب افزایش موسیقی نثر می‌شود. این برجسته‌سازی هنگامی تحقق می‌یابد که نوعی هنجارگریزی در متن اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، نقشی جز زیبا کردن متن ندارد «و یکی از روش‌هایی است که با اعمال آن، در سطح دو یا چند کلمه یا در سطح دو یا چند جمله، موسیقی و هماهنگی به وجود می‌آید و یا موسیقی کلام افزونی می‌یابد» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۵). به کارگیری نثر مسجع، اشاره به این نکته دارد که برای منظوم ساختن نثر، صرفاً می‌توان از سجع بهره جست؛ در حالی که سجع، تنها یکی از ابزارهایی است که می‌تواند برای منظوم ساختن نثر به کار رود (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۷/۱). این ابزار موسیقایی، انواعی دارد که به آن اشاره می‌کنیم:

سجع متوازی: که با تغییر صامت نخستین در کلمات یک‌هجایی حاصل

می‌شود؛ مانند «پوشیده نیست بر اهل عالم و اعقاب آدم» (وطواط، ۱۳۸۳: ۲۲).

سجع مطرف: که بر دو نوع است: ۱. دو کلمه در دو هجا متفاوت‌اند؛ مانند «در

وقوع نوائب و نزول مصاعب، صبر و تسلیم را سرمایه دار و پیرایهٔ روزگار خویش پسندیده‌تر» (وطواط، ۱۳۸۳: ۲۱)؛ ۲. کلمات سجع از نظر تعداد هجا مساوی باشند؛ اما

هجاهای غیرقافیه از نظر کمیت یکسان نباشند (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۹/۱). «کی مجلس عالی از دو طرف میمون و از دو سلف همایون پادشاهست» (وطواط، ۱۳۸۳: ۲۴).

سجع متوازن: کلمات از نظر هجا عدداً و کمأً (کوتاهی و بلندی) مساوی اند؛ اما در واك مشترك نیستند و صامت نخستین هجای قافیه می تواند متغیر باشد یا نباشد (همان: ۴)؛ مانند «و آنچه خالصه صدر و صادق و صادق است، در حق دولت قاهره مبذول دارد و آثار اخلاص و علامات اختصاص ظاهر گرداند و بدین تجشم ذکری اعقاب و اخلاف را بگذارد» (همان: ۲۸).

موسیقی سجع: از دیدگاه موسیقی، قوی ترین اسجاع، متوازی و ضعیف ترین آن، متوازن است. خود سجع متوازن هم مراتبی دارد؛ ضعیف ترین آن، این است که کلمات فقط در وزن متحد باشند (همان: ۴۱). در نامه های رشید، انواع سجع وجود دارد؛ اما بسامد غالب با سجع متوازی است که بالاترین بار موسیقایی را در سطح کلام دارد.

بدون شک در نامه های فارسی رشید و طواط، عامل اصلی توازن و موسیقی متن، مسجع بودن آن است. «از استیلاي ظلمه و استعلاي فسقه و امتداد فن و اشتداد محن و سفک دماء و قتل علماء و تخریب مدارس و مساجد و تعذیب اکابر و اماجد، جمله چنانست، بلکه بتر» (همان: ۹۹). بسامد واژه های مسجع در نامه های فارسی رشید، به بیش از ۱۰۰۰ واژه می رسد که نشان دهنده توجه خاص او به این اصل است که کلام خود را هرچه بیشتر موسیقایی کند.

تکرار صامت ها و مصوت ها در هر بند: یکی از برجسته سازی هایی که در این متن صورت گرفته، آوردن صامت ها و مصوت های همسان در متن است. تکرار صامت یا مصوت، یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه یا جمله که بر دو نوع است: ۱. هم حرفی؛ ۲. تکرار هجایی. در نامه های رشید، تکرارهای حرفی و هجایی در بیشتر جملات دیده می شود. کافی است به این نمونه نگاه کنید تا توجه او به رعایت موسیقی درونی کلام در نامه های فارسی روشن شود: «پیوسته اخبار سایر جانب

محروس، زاده الله حراسه می‌رسد و باستماع می‌افزاید و از ایزد خواسته می‌شود تا توفیق خیرات و تیسیر حسنات ارزانی دارد آنه یسمع و یجیب» (همان: ۲۹). در این بند، صامت «س» ۱۰ بار و مصوّت «آ» ۱۱ بار تکرار شده است.

۲-۱-۲. نقد و بررسی لایه‌های واژگانی

بررسی لایه واژگانی، بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آن‌ها، ائتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال و نشانه‌ها و مانند آن است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۳۸). شیوه زبانی نامه‌های فارسی رشید، در سبک فنی نامه‌های سده ششم متمایل به سبک آذربایجانی یا ارّانی است. در سبک ارّانی، اظهار فضل و اشاره به علوم مختلف، تلمیحات گوناگون، اشاره به عقاید عامیانه و... مطرح است. «در سبک‌شناسی نثر، مهم‌ترین عامل، دقت بر انواع واژه‌ها و جملات است. در نثر فنی، متن از درجه صفر نگارش به دور است» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۳۲۶). لحن حماسی در شعر این دوره، تبدیل به مفاخره شده است و شاعران معمولاً در ستایش خود داد سخن داده‌اند و شاعران دیگر را قبول ندارند و هجو می‌کنند. از آنجایی که زبان در بافت اجتماعی و موقعیت‌های فردی هر نویسنده، نشانگر ارتباط و انتقال عقاید، تلقی‌ها و موقعیت اوست، در نامه‌های فارسی رشید، مهم‌ترین نقش زبان، نقش شخصی نویسنده است که برای مقاصد خصوصی و اجتماعی مخصوص زندگی شخص طراحی شده و این نقش شخصی، لازمه‌اش شخصی‌سازی زبانی است که مجموع واژه‌هایی را که هر فرد در ذهن خود دارد و می‌داند و فهمد، به واژگان مخصوص خود تبدیل می‌کند.

نامه‌های رشید، نثری است ملمّع و مصنوع؛ اما صناعی که در آن به کار رفته، نه زیاد است و نه تکلف‌آمیز. اساس منشآت بر ازدواج، موازنه، سجع و ترصیع استوار است و این صنایع، رنگ اصلی منشآت رشید را چه به تازی و چه به پارسی نشان می‌دهد. یکی از مشخصات بارز نامه‌های فارسی رشید، آوردن واژگان مترادف در هر سطر از نامه است تا تأکید بیشتر نویسنده بر مفهوم را نشان دهد و میزان زیبایی متن را

از طریق همسانی کلمات از نظر وزنی و مفهومی، یعنی همان رابطه فرم و کلام، چند برابر کند. «این دوست کی مهاجرت دیار و مفارقت استقرار بگزیده است و مسالک و مهالک معروف بیریده و امروز کی ایام اکتیان و اوقات استتلابست، در صحرا می باشد و به وقْدت صحرا و شدت گرما تجلد می نماید» (وطواط، ۱۳۸۳: ۲۳). در این بند از نامه، رشید با استفاده از واژه‌های مکمل و هم معنی، مانند مهاجرت و مفارقت که هر دو معنی فراق و دوری می دهند و همچنین اکتیان و استتلاب که هر دو معنی خواسته شدن و وجود را نشان می دهند و دو واژه وقْدت و شدت که هر دو در یک معنا به کار می روند، قصد تأکید و تکرار را در متن جهت تشریح و وضوح هر چه بیشتر اعمال می کند.

بررسی مؤلفه‌های واژگان بی نشان و نشان دار

مسئله نشان داری^۱، یکی دیگر از روابط مفهومی است که برای نخستین بار در کتب واج شناسی پراگ و بحث درباره توزیع واجها مطرح شد و به تدریج در دیگر سطوح زبان نیز مورد بررسی قرار گرفت. به اعتقاد **بالمر**، هرگاه در میان دو واژه متقابل، یکی از آنها برای پرسش و صحبت درباره مفهوم هر دو واژه به کار رود، واژه مذکور بی نشان^۲ و دیگری نشان دار^۳ به حساب می آید (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). «هرگز مثل این چشم زخم تا دامن قیامت نخواهد افتاد» (وطواط، ۱۳۸۳: ۷). چشم زخم و دامن قیامت، واژه‌های نشان دار و بقیه، واژه‌های بی نشان هستند. «لکن استغنا نیست از آنکه فرزند اعزا اکرم، قره العین، شرف الملوک را ادام الله تأییده و حرس تمهیده با فوجی از خدم و طائفه‌ای از حشم بفرماید فرستد» (همان: ۲۵).

۲-۱-۳. نقد و بررسی لایه های نحوی

سبک نگارش نامه‌های فارسی رشید، از نظر قواعد دستوری، سبک عمومی دوره دوم خوارزمشاهیان است که در میان نویسندگان خراسان معمول بوده و با اندک

1. Markedness

2. Unmarked

3. marked

تغییراتی، از سبک منشآت دوره غزنویان، مانند منشآت ابونصر مشکان و بیهقی، ریشه گرفته است. نامه‌های رشید، بسیار خشک و بی‌روح است. شیوه‌ای که وی در نامه‌های خود در پیش گرفته، سبک فنی و ویژه قرن ششم است. این سبک به علت اینکه از دوران بلاغت ادبی، سیاسی و تاریخی وام گرفته است، اهمیت بسزایی در میان منابع تاریخی دارد. نامه‌های او بیشتر به منشآت حکومتی نزدیک است و جنبه‌های آموزشی داشته، به گوشه‌هایی از تاریخ ایران اشاره می‌کند. سبک او روشی منشیانه دارد و تعابیر ادبی زیبایی نیز از آن استخراج می‌شود.

۲-۱-۳-۱. چیدمان جملات

جمله، بلندترین واحد سازمانی در نحو است. اگر هر ساخت نحوی، شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۷۵). ترتیب جمله‌بندی نامه‌های رشید، بسیار منظم و طبق قاعده زبان فارسی است و تقدّم و تأخّر افعال کمتر دیده می‌شود. او برای رابط جملات، از عبارات دعایی استفاده کرده که در فرم زیبایی‌شناسی قرار نمی‌گیرد و صورت ناخوشایند دارد. در بیشتر جملات فرمول «فاعل + مفعول + فعل» رعایت شده است: «اما چه کند که در اسار خسار مانده است و در ظلمات متحیر گشته است» (وطواط، ۱۳۸۳: ۴۷). از نظر پیوند جملات و خوانش آن، نامه‌های فارسی رشید را می‌توان در گروه سبک هم‌پایه قرارداد که جملات مستقل هستند و با او عطف به همدیگر پیوند می‌خورند: «بنده این همه مدت در آرزوی آن بوده است کی خدمتی کند و اثری در عبودیت ظاهر گرداند» (همان: ۱۱).

۲-۱-۳-۲. وجهیت در فعل‌های جملات

وجهیت، تلقی گوینده از محتوای گزاره را بیان می‌کند و در فعل، جنبه‌های اخباری، تأکیدی، تردیدی، عاطفی، شرطی، پرسشی، تمنایی، امری و التزامی را نشان می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۶). بیشتر جملات در نامه‌های رشید، در حالت اخباری، دعایی و التزامی قرار دارند:

«و بنده بر موجب مثال اعلی، اعلا الله گوش و هوش به راه نهاده تا هر فرمان کی از حضرت قاهره احضرالله السعادات صادر گردد در امتثال آن طریق بندگی سپرد و آثار اخلاص کردند. ان شاء الله تعالی» (وطواط، ۱۳۸۳: ۸). افعال این بند از جمله، بیشتر از نوع التزامی هستند. «وجه التزامی نشان می‌دهد جهت‌گیری و حال‌گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان است» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

۲-۱-۳-۳. وجهیت در قیدها

صدای فعال بیان‌کننده انجام یک عمل توسط عنصر اصلی جمله، نهاد است. وقتی نهاد جمله، کنشگر باشد، جمله، صدای فعال و مؤثر دارد (همان: ۲۹۵). با توجه به فراوانی جملات معلوم و کنشگری روشن فاعل، صدای نویسنده جزء صداهای فعال قرار می‌گیرد. نمود تعلیمی و درباری آن نیز نشان از صدای پویا و دینامیک نویسنده است؛ چراکه از افعال تداومی استفاده کرده است: «رسم تهنیت بدانکه خدای عزوجل سریر ملک را بانوار معالی و آثار مساعی مجلس عالی لازل عالیاً مزین گردانیده است و مقالید حل و عقد عرصه عالم بدست اشارت و ارادت او سپرده» (وطواط، ۱۳۸۳: ۱۶).

۲-۱-۳-۴. زمان افعال

عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله‌گوینده یا نویسنده با موضوع است. می‌دانیم که تغییر فاصله‌گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را تغییر می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۰). در نامه‌های رشید، زمان بیشتر افعال، مضارع اخباری و مضارع التزامی و توصیف زمان حال است و در جاهایی که قصد دعا و ذکر حوادث آینده را داشته، از افعال آینده استفاده کرده است. آنچه میزان قطعیت و واقع‌گرایی کلام را بالا می‌برد، ارجاع کلام به لحظه سخن گفتن به وسیله زمان دستوری قیدها و عناصر کیفی است. هرچه زمان دستوری کلام از لحظه سخن گفتن دور شود، به همان نسبت،

قطعیت دلالتی کلام دور و ناپایدار می‌شود (همان: ۲۹۳). از این رو، در نامه‌های رشید، میزان قطعیت کلام و واقع‌گرایی آن، از درصد بالایی برخوردار است:

«توقع از حسن عهد و صفای ود جانب محروس، زاده الله حراسه، آنست کی مفاوضات غریز و مطالعات کریم متواتر دارند و از مجاری احوال و مصارف اعمال خویش به هر وقت خیر دهند» (وطواط، ۱۳۸۳: ۱۳). همان‌طور که در این جمله دیده می‌شود، رشید از افعال مضارع التزامی و اخباری استفاده کرده است. «خردمند آن باشد که در وقوع نوائب و نزول مصائب طریق تسلیم سپرد و بقضاء ایزد عز و جل رضا دهند» (همان: ۸۴). در این بند نیز لحن ترغیبی رشید دیده می‌شود که از افعال مضارع التزامی بهره برده و بدین‌گونه، بار ارشادی و اخباری کلام را افزایش داده است. در بیشتر نامه‌های او بسامد جملات با تأکید بر نصیحت و ارشاد، بسیار چشمگیر است.

۲-۱-۳-۵. ترکیب‌های وصفی مقلوب

یکی از نکات برجسته در نامه‌های رشید و طواط، بسامد بالای موصوف و صفت‌های مقلوب است که نویسنده برای اغراض کلی متن خود با هدف مدح و نمایش اغراق در توصیف واژگان به کار برده است. «او در بیشتر مواقع، مطابقت صفت و موصوف را به قاعده عربی رعایت کرده است» (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۹۴). در نمونه زیر، میزان استفاده او از عبارت توصیفی نشان داده شده است: «و در هر بیت لطیفه‌ای از الطاف بلاغت و دقیقه‌ای از فصاحت نگاه داشته و مطلع و مقطع را به بدایع صنعت و روائع صبغت آراسته گردانیده و همه اکابر این دولت و امثل این حضرت نبشتند و یاد گرفتند» (وطواط، ۱۳۸۳: ۴۹).

۲-۱-۴. نقد و بررسی لایه‌های بلاغی

سبک هر سخن بر اساس فراوانی کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای می‌یابد؛ مثلاً فراوانی کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک را استعاری رقم می‌زند (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۰۴). نامه‌های رشید، از تخیل و آفرینش استعارات ادبی بسیار بهره‌مند بوده، به خاطر

نوع زندگانی و خدمت سی ساله‌اش در دربار خوارزمشاهیان، عرصه‌ای برای اندیشیدن و ساختن معانی زیبا و استعاری نداشته، در نامه‌های او با عبارات زیبا و کم‌نظیری مواجه می‌شویم که در خلال آن، از عبارات استعاری نیز بهره برده است.

«پیش از این مکتوبات اصدار افتاده است و جانب محروس را زاده الله حراسه بر این خدمت پسندیده کی ذکر آن در صحائف مردم و مردمی موبد خواهد بود و اثر آن بر صفحات ایام و لیالی مخلص محمّدت کرده باشد» (وطواط، ۱۳۸۳: ۱۲).

الف. سبک در برونه و درونه کلام

آرایه‌های لفظی و قسمت زیبایی در برون کلام رشید، بسامد بیشتری دارد و دارای جملات و کلماتی است که موجب زیبایی ظاهر کلام شده است؛ چنان که می‌توان گفت او نخستین منشآت مصنوعی را نوشته که هم در جملات عربی و هم در فارسی، از صنعت موازنه و سجع بسیار استفاده کرده است.

«در وقوع نوائب و نزول مصاعب صبر و تسلیم را سرمایه دار و پیرایه روزگار خویش پسندیده‌تر و بنیل مرضات حق عز و جل کی در دو جهان مقصود اختیار و مطلوب ابرار است نزدیک‌تر» (وطواط، ۱۳۸۳: ۱۷).

«و لباس شباب پوشیده نیارذ و چون آورد نقاب حیرت، حجاب غیرت از پیش بردارد چه قلبتان هرچند رحیم‌تر، گزیده‌تر، وزن مرد هرچند حلیم‌تر پسندیده‌تر و السّلم» (وطواط، ۱۳۸۳: ۶۵). در این جمله، از بازی با الفاظ و نظم آوایی و قرینه‌سازی، مانند سجع در کلام، اضافه تشبیهی مانند لباس شباب و اضافه استعاری مانند نقاب حیرت استفاده شده است که البته بسامد این جملات در نامه‌های رشید، فراوان است.

ب. ارکان بلاغی

تشبیه: تشبیه، یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد؛ یعنی اشتراک دو چیز در یک یا چند صفت (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۵۳)؛ مانند «درخت سلامت برکنده» (وطواط، ۱۳۸۳: ۱۳۹). «کسانی

که از دائرة وفاق گریخته‌اند و نائرة شقاق انگيخته بس زود اختیاراً و اضطراراً در بقعه طاعت خواهند آمد» (همان: ۹).

استعاره: در مطالعات ادبی، استعاره را رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف می‌شمارند (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۴۱). «تشبیه، مبتنی بر ادعای شباهت است و استعاره، مبتنی بر ادعای یکسانی؛ اما به هر حال هر دو، عنصر مشترک بین دو امر یا دو چیز را کشف و برجسته می‌کنند؛ یعنی دو چیز را از طریق یک ایده مشترک به هم مربوط می‌سازند؛ منتها ادعای شباهت در تشبیه، صراحت دارد و در استعاره، صریح نیست» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۵). استعاره، در واقع از تشبیه بهره می‌برد که ذهن مخاطب از طریق تداعی به قرینه شباهت نزدیک شود. «هر معنا، معنا یا معانی خاصی را در ذهن شاعر یا خواننده تداعی می‌کند. مصادیق تداعی معنایی عمدتاً همان‌هایی است که در فهرست صنایع معنوی بدیع و فنون بیانی آمده است؛ البته گونه‌های جدید تداعی معنایی را که نامی هم ندارند، باید بر آن افزود» (محمّدی و اسلامی، ۱۳۹۷: ۲۲۳)؛ بنابراین، محور اصلی در ذهن خواننده در تشبیه و استعاره، تداعی معنایی است.

استعاره جوششی: در سبک طبیعی، استعاره‌ها ناخودآگاه خلق می‌شوند؛ چراکه استعاره، شکلی از اندیشیدن است؛ تجربه‌های درونی و پایان‌ناپذیر که در قالب استعاره‌های تازه ظهور می‌یابند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۳۳). استعاره‌پردازی در گفتمان ادبی نامه‌های رشید و طواط، از نوع استعارات جوششی است که قصد نویسنده را در تزئین متن برای تأثیرگذاری بیشتر آن نشان می‌دهد و حاکی از آن است که این استعارات، حاصل طرز فکر و اندیشه اوست؛ مانند نقاب حیرت، دامن عفو، عنان همت، جامه حسرت، جناح امان و احسان، جاده ادب.

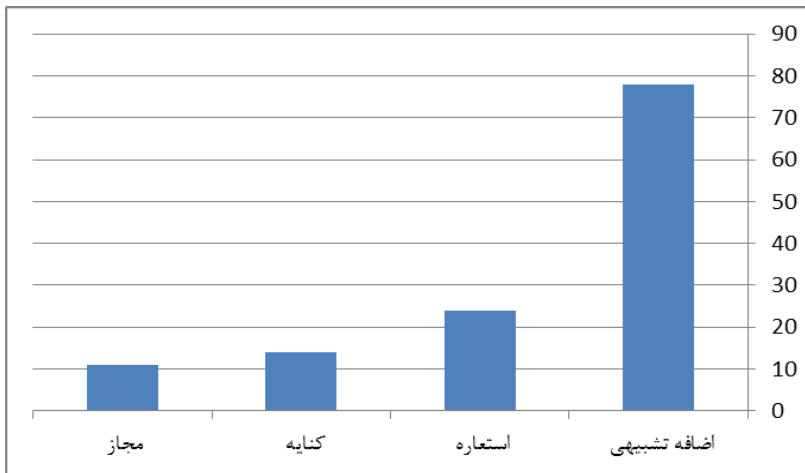
مجاز: مجاز مفرد را مجازی دانسته‌اند که یک لغت در معنایی جز معنی اصلی و موضوع آن به کار رود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۹۹). «دست تعرض متهوران و تعلق متعدیان از آن رعایا کوتاه گرداند» (وطواط، ۱۳۸۳: ۳۳).

کنایه: کنایه، جمله یا ترکیبی است که مراد گوینده، معنای ظاهری آن نیست؛ اما قرینهٔ صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود ندارد (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۵). این اثر در *المثل السائر* می‌گوید: کنایه، هر کلمه‌ای است که دلالت بر معنایی کند که هم بر حقیقت بتوان حمل کرد و هم بر مجاز، با وصف جامعی که میان حقیقت و مجاز هست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). «به کفایت و شهامت متحلی و به خویشنداری و راست کاری موصوف و به کم‌طمعی و کوتاه‌دستی معروف» (وطواط، ۱۳۸۳: ۷۸). «این مطیع مخلص چشم گشاده و گوش نهاده است» (همان: ۱۰۴). انواع کنایاتی که به کار رفته، عباراتی است مانند: کوتاه‌دستی، کم‌طمعی و رخت اقامت افکندن.

جدول ۱- درصد بسامد صور خیال

ردیف	نوع صنعت	نمونه	تعداد
۱	اضافه تشبیهی	نایره شقاق، مضایق ظلمت، ساحت دنیا، راست کاری	۸۳
۲	استعاره	پیرایه روزگار خویش	۲۴
۳	کنایه	عنان به دست اباطیل نشاید داد	۱۴
۴	مجاز	دست تعرض	۱۱

جدول ۲- نمودار بسامد صور خیال



۲-۱-۵. بررسی محتوایی نامه‌های و طواط

زبان در سطوح مختلف، حامل ایدئولوژی است و به ایدئولوژی شکل می‌دهد و از سوی دیگر، از آن شکل می‌پذیرد. در نوشتار و گفتار هر گوینده‌ای، نگرش شخصی و ذهنیت هستی‌شناسی ارزش‌ها، تلقی‌ها و باورها، به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه پدیدار می‌شود. ایدئولوژی در سطوح مختلف سبک و کلام (نظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی) نمود می‌یابد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۴۵). ایدئولوژی و گفتمان، یا به عبارتی، طرز فکر، در آثار رشید و طواط، ریشه در شغل حکومتی وی داشته است؛ یعنی رابطه‌ی تخیلی یک نویسنده، در زندگی واقعی او نیز نمود پیدا می‌کند. «گفتمان، عبارت است از زبان به منزله‌ی کنش اجتماعی» (همان: ۳۴۶). رشید، مرد سیاست و دین بود. او ریاست دیوان را به عهده داشت و برای حفظ منصب خویش، دیدگاه مطیعانه و ستایشگرانه‌اش را نسبت به سیستم حکومتی دوره‌ی خود در آثارش منعکس کرده است. در حقیقت، گفتمان او در نامه‌های فارسی، به‌عنوان گفتمان درباری، ادبی و سیاسی تلقی می‌شود. ایدئولوژی، عبارت است از باورهای بنیادین یک گروه و اعضای آن؛ بنابراین، با مقولات ادراکی و شناختی افراد مرتبط است و چگونگی تفکر، تکلم و استدلال فرد و گروه را هدایت می‌کند (همان: ۳۴۸). نامه‌های رشید، مانند تمامی نویسندگان هم‌دوره‌ی او دارای مشخصه‌ای کلی است که از همه‌ی قواعد گروه حاکم، پیروی می‌کند.

ویژگی‌های سبکی تأثیر گرفته از سبک گروهی

سبک گروهی، سبکی است که از دوره‌های قبل به ارث رسیده و در دوره‌ی هر نویسنده‌ای نمود یافته است. در حقیقت، مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها و باورهایی است که در میان اعضای یک یا چند گروه مشترک است. «ایدئولوژی‌ها آرام و تدریجی آموخته می‌شوند و ممکن است در طول زندگی فرد، دستخوش دگرگونی‌هایی شوند؛ اما با این همه، دارای ثباتی نسبی هستند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۴۹). سبک انشای مکاتیب،

در قرن پنجم و ششم به شیوهٔ اطناب با بسط و تأکید مفاهیم و معانی، در حدّی متعادل و با آرامش لفظی همراه بود (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۰). در زیر به چند مشخصهٔ اصلی سبک گروهی در نامه‌های فارسی رشید، اشاره می‌شود:

۱. بازتاب عواطف ملی، ایران‌گرایی، سلطنت‌طلبی و فضل‌گرایی؛
 ۲. ترکیب آفرینی، سجع‌پردازی، تصویرسازی و افزایش لغات عربی و ترکی؛
 ۳. ترتیب منطقی فاعل و فعل در جمله‌های فارسی؛
 ۴. اقتباس از آیات قرآنی و آوردن تمثیلات و اشعار عربی؛
 ۵. تحذیر و تعریف سیاسی و مذهبی درباریان و بهره‌جستن برای اغراض سیاسی؛
 ۶. بی‌روح و خشک بودن جملات و تفاخر نویسنده به تسلط او به واژه‌های عربی.
- «و باید کی فلان ادم الله تمهیده حرمت فلان ادم الله فضله رعایت کند و در تبجیل او باقصی غایه الامکان برسد و آنچه برونق و قاعده ار او پیوندد مبذول دارد و بمردمان فلان خطه بنویسد تا مستوفی آن جایگاه او را داند و شرائط آن شغل بدو باز گذارند و راه اعتراضات بسته گرداند» (وطواط، ۱۳۸۳: ۴۴). وطواط در بیشتر نامه‌ها آغاز و پایان را به یک شکل نوشته و در اغلب آن‌ها به القاب و ادعیهٔ یکسانی اشاره کرده است.

اصطلاحات قرآنی و دیدگاه مذهبی

از آنجا که رشید، فردی متدین و تا حدّی در امور دینی متعصب نیز بود، در آثار منظوم و منثور خود، از آیات قرآن کریم بسیار بهره برده است و در نامه‌های فارسی او نیز این موضوع، فراوان به چشم می‌خورد. برای مثال در بخش دوم نامه‌های فارسی در قسمت منشور قضای خوارزم می‌نویسد: «و مناکحات را حکم فرمان ایزد عز و جل تیمار دارد و اکفاء را پس از صحت ولایت سکر بکر دهد و در مهر و اجور مستقصی باشد تا بر وجه اجحاف و اسراف نرود و اکفاء جوید: ان یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله» (وطواط، ۱۳۸۳: ۸۱). رشید در جمله آخر، آیه ۳۲ سوره نور را به‌عنوان شاهدی بر گفتار خود می‌آورد. در جایی دیگر، دربارهٔ دیدگاه دینی خود می‌گوید: «در حفظ ترکات و اموال ایتم مجد و مجتهد باشد و مساهلت و محابا در این معنی خصوصاً و

دیگر معانی عموماً یکسو نهند و نگذارند کی هیچکس بی حجت حق ایتم ببرد یا به ظلم مال ایشان بخورد و از وعید الهی بترسد و بترساند. قوله تعالی: انّ الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انما یاکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً. (همان) در پایان جمله، آیه دهم سوره نساء را آورده تا بر میزان وخامت امر خوردن اموال ایتم، از زبان قرآن، تأکید و تأیید نماید.

الف) دیدگاه فکری در لایه‌های واژگانی

واژه در مقام نشانهٔ ایدئولوژیک با انبوهی از تار و پودهای ایدئولوژیکی درهم تنیده است و شناسنامهٔ ایدئولوژیک دارد؛ یعنی متعلق به یک بافت یا رمزگان جمعی و حاصل توافق جمعی گروه است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۵۶). واژه‌هایی که در نامه‌های رشید وجود دارد، مجموعه‌ای نشئت گرفته از دیدگاه مذهبی، سیاسی و ادبی اوست. در جدول زیر، بسامد واژگان مدلول به لایهٔ ایدئولوژیک بررسی شده است.

جدول ۳

نوع واژه	تعداد	بی نشان	نشان دار	توضیح
حروف	۱۱	-	-	در، کی، به، و، بر و...
قید	۲	-	-	در این وقت، چنان
ضمیر	۵	-	۳	این، آن، او و...
فعل	۱۵	۱۳	۲	دو فعل نشان دار: فرموده آمد، معروف است
صفت	۹	۷	۲	-
اسم	۲۷	۳	۲۴	-
جمع	۵۸	۲۳	۳۱	
رمزگان مذهب	۵	-	۵	رعاهم الله، مقتضای دین، قصاص، سلمه

ایدئولوژی، اعتقاد به ارزش‌هایی است که در نظر شخص گوینده یا نویسنده، طبیعی به نظر می‌رسد. گاهی نسبت میان واژگان و این اعتقاد، بسیار روشن و طبیعی است. طبق جدول ۳ و بررسی نامه‌های رشید، دیدگاه مذهبی و درباری او بسیار برجسته و نمایان است و بسامد واژگان نشان‌دار نیز از مشخصات متن فنی و مصنوع دوره خوارزمشاهی و هم دیدگاه شخصی نویسنده، محسوب می‌گردد. در این جدول، واژه‌هایی را که مذهب محوری و دیگر مشخصات ایدئولوژی این شاعر را نشان می‌دهد، گنجانده شده است.

«در این وقت به مسامع ما چنان رسید کی احمد زوزنی تاب الله علیه کی از شیران معروفست و به فسق و فجور موصوف، در میان مخاصمت و اثنای ملاطمت دست زدست و یک خصیه خواجه عثمان، سلمه الله، کی پیر دولت و هواخواه حضرت ماست، گسسته و فواید توالد و منافع تناسل بریزه گردانیده، این مثال فرموده آمد تا نواب ما رعاهم الله، احمد زوزنی را بگیرند و قصاص این عضو شریف کی از اعضاء ریسه و آلات نفیسه است، یا دیت از او طلب کنند بر آن جمله فتوای شرع و مقتضای دین است» (وطواط، ۱۳۸۳: ۶۳). وجود واژه‌های نشان‌دار، حاکی از استفاده نویسنده از القاب درباری و واژگان جایگزین برای بالابردن سطح درباری متن است. گفتمان ایدئولوژیک برای تأکید بر حقیقی بودن نظرگاه «خودی» و تحقیر ارزش‌های رقیب، از عناصر نحوی شدت بخش بسیار سود می‌برد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۵۹). طبق این گفته و با توجه به خصوصیات اخلاقی رشید در احساس برتری داشتن به رقبای خود و بالابردن قریحه فنی و مصنوعش، از طریق آوردن جملات وزین و آهنگین و استفاده بی‌شمار از عبارات‌های عربی و آوردن استعارات زیبا در جملات نامه‌های خود، می‌توان دریافت که او از این گفتمان تأکیدی و جملات پویا بسیار استفاده کرده است.

ب) دیدگاه فکری در لایه‌های بلاغی

مهم‌ترین بخش را در بلاغت کلام، استعاره تشکیل می‌دهد که نقش ذهنیت نویسنده و همچنین گروه و گفتمانی را که نویسنده به آن تعلق دارد، جلوه‌گر می‌سازد.

با توجه به اینکه رشید در قرن نزدیک به سبک خراسانی می‌زیست و از هم‌عصران خود نیز تأثیر می‌پذیرفت، (زمانی که نویسندهٔ ایدئولوژیست بخواهد اطلاعاتی را که برای گروه خودی، ناخوشایند است، بی‌اهمیت جلوه دهد، به شگردهای بلاغی روی می‌آورد (همان: ۳۶۰). رد پای استعارات برگرفته از طبیعت، در نامه‌های رشید نیز کم‌رنگ نیست و ایدئولوژی غالب آن دوره که بر پایهٔ تعلیم و درباری‌گری و مدح بوده، در نامه‌های رشید بازتاب پیدا کرده است و او را در زمرهٔ شاعران گروه صورت‌گرا و اخلاق‌محور قرار می‌دهد.

«امروز سایه آن حرمت از سر ایشان برخاست و اگر در بلخ خواهند بود، این حال از جاده ادب و منهج خرد دور باشد؛ چه خداوند عالم، خلد الله ملکه، بر سر سلطنت نشسته، کس را نرسد کی در تصمیم مملکت او خلاف او مقام کند» (وطواط، ۱۳۸۳: ۳۱).

در این بند از نامه، هم مجاز و هم اضافات تشبیهی، توأمان وجود دارند. «در مجموع، نامه‌های رشید، فخامت، متانت و استحکام عبارت دارد و از جهت لفظی، استوار و به‌قاعده است؛ اما شیرین و دلنشین نیست» (تویسرکانی، ۱۳۸۳: ۲۸) به گفتهٔ تویسرکانی، این عدم دلنشینی در متون نامه‌ها به معنای نبودن تشبیهات و استعارات جوششی و زیبا در نامه‌های اوست. رشید نسبت به قصاید خویش، در نامه‌هایش کمتر از صور خیال که سبب زیبایی و هنجارشکنی متن می‌شود، استفاده کرده و بیشتر تلاش داشته است قواعد اصولی نامه‌ها و منشورها را در جملات، رعایت کند و از تعقید لفظی و معنایی تا حدود فراوانی خودداری نماید.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی و میزان بسامد و شمارش ابزار زیبایی‌شناسی ظاهری و صنایع معنایی در هریک از نامه‌ها، به نظر می‌رسد که رشید و طواط در بیشتر بندها، از موسیقی درونی و زیبایی ظاهری کلام

بهره جسته و سعی کرده است، میزان تسلط خود را بر قواعد نظم در نثر نیز اعمال کند. در استفاده از واژه‌ها، واژه‌های نشان‌دار را کمتر به کار برده و سعی کرده از تکرار و وضوح هرچه بیشتر جملات بهره جوید؛ زیرا برای بیان اغراض سیاسی و درباری خود، به این آشکاری کلام نیازمند بوده است. او در آوردن جملات اسمیه و فعلیه طبق روال سبک دوره خود عمل کرده است. ساختار اصلی جملات در نامه‌های رشید، به ساختار منشآت همان دوره و به کار بردن نثر مسجع، نزدیک است. او از اضافه تشبیهی، بیشتر استفاده کرده و تشبیهات و مجازهایی که در متن از آن بهره جسته، بیشتر از نوع حسّی است؛ بنابراین، سبک کلی نامه‌های او، تشبیهی محسوب می‌شود؛ اما از نظر پایه فکری باید گفت از باورهای دینی، آیات و احادیث بیشتر بهره برده و دیدگاه سیاسی او که برخاسته از شغل درباری وی بوده، در متن نامه‌ها منعکس شده است. رشید و طواط در نامه‌های خود با استفاده از قدرتی که ریاست دیوان به او داده بود، چندین بار مردان درباری را مورد تمسخر و هجو قرار داده؛ مانند نامه بیست و پنجم که احمد زوزنی را به باد استهزا و هجو گرفته است.

در مجموع، نامه‌های فارسی رشید، از نظر رده سبکی دارای مختصات سبکی بینابین است و با توجه به استعمال آیات، احادیث و تشبیهات خاص و همچنین خالی بودن از تکلف و رعایت صنایع در مقیاسی ساده که با هدف عدم رجحان لفظ بر معنا شکل یافته است، دارای سبکی متشکل از ایجاز و مساوات بوده، تا حدودی جای خود را به اطناب می‌دهد و از این حیث، در جایگاه نثر مرسل قرار می‌گیرد. تکرار فعل در جملات متوالی با وجهیت نهاد و نیز آوردن جملات کوتاه و روابط معطوف جملات با یکدیگر، مشخصه سبکی دیگری است که متن را در گروه متن‌های مرسل قرار می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: صراط النور.

- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)، **سبک‌شناسی**، به کوشش سیدابوطالب میرعابدینی، چ ۱، تهران: توس.
- تویسرکانی، قاسم (۱۳۸۳)، **نامه‌های رشید و طواط**، تهران: دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، **انواع نثر فارسی**، چ ۱، تهران: سمت.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، **صورخیال در شعر فارسی**، چ ۱۷، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، **بیان**، چ ۷، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۸۸)، **کلیات سبک‌شناسی**، چ ۳، تهران: میترا.
- _____ (۱۳۸۱)، **نگاهی تازه به بدیع**، چ ۱۴، تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۷۷)، **معانی**، چ ۵، تهران: میترا.
- _____ (۱۳۹۳)، **سبک‌شناسی نثر**، چ ۳، تهران: میترا.
- عبادیان، محمود (۱۳۶۸)، **درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات**، چ ۱، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۲)، **سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)**، چ ۲، تهران: سخن.
- صرفی، محمدرضا و مژگان ونارجی (۱۳۹۲)، **سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی)**، ادبیات پایداری، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۱۶۹-۱۹۴.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳)، **درآمدی بر معنی‌شناسی**، چ ۲، تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۸۳)، **از زبان‌شناسی به ادبیات**، جلد اول، چ ۳، تهران: سوره مهر.
- ماهیار، عباس (۱۳۹۰)، **عروض فارسی**، چ ۱۳، تهران: قطره.
- محمدی، داوود و محمدرضا اسلامی (۱۳۹۷)، **معماری زبان؛ پیشنهادی در طبقه‌بندی عناصر زیبایی‌شناختی سخن**، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۹، شماره ۱۷، صص ۲۰۵-۲۳۴.

